

«شرق» از جبران نشدن زیان سهامداران در ۴ سال گذشته وافت ارزش دلاری بازار سرمایه گزارش می دهد

طلسم فرسایشی بورس

به یک بازار حدوداً ۱۴۵ میلیارد دلاری تبدیل شده است.

شائبه فساد در بورس

نوسان بی‌رقم شاخص کل بورس و ریزش ارزش دلاری بازار سرمایه در شرایطی رخ می‌دهد که در تپ‌وتاب انتخابات ریاست‌جمهوری بنا بود ابراهیم رئیسی به وضعیت فرسایشی بازار سرمایه رسیدگی کند؛ وضعیت فرسایشی که سهامداران از سال ۱۳۹۹ گرفتار آن شده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند از آن خلاصی داشته باشند.

شمار زیادی از سهامداران در چهار سال گذشته بخش درخورتوجهی از سرمایه خود را در بورس از دست داده‌اند و جهش قیمت دلار به آستانه کانال ۵۰ هزار تومان و رشد بی‌وقفه قیمت خودرو و مسکن نه‌تنها هیچ‌کدام نتوانست وضعیت بازار سرمایه را تغییر دهد، بلکه حالا محاسبات دلاری نشان می‌دهد ارزش بازار سرمایه از سال ۱۳۹۹ تاکنون ۵۰ درصد کاهش یافته و ارزش بازار سرمایه به ۱۳۹۹ میلیارد دلار رسیده است. وب‌سایت خبری اکو ایران نوشته است که بورس تهران پس از ریزش تاریخی شاخص‌های آماری در نوزدهم مرداد سال ۱۳۹۹، حدود ۲۱۵ میلیارد دلار ارزش خود را از دست داده است. درحال‌حاضر ارزش بازار کمتر از هفت هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. افت ارزش دلاری بورس تهران نزدیک به شش برابر افت ارزش ریالی بورس بوده است. بازار سهام در قله مرداد سال ۱۳۹۹ ارزش ریالی هفت‌هزارو ۷۷۸ هزار میلیارد تومانی داشته است. این در حالی است که در مرداد سال ۱۴۰۲ ارزش بازار به حدود شش‌هزارو ۹۰۷ میلیارد تومان رسیده است.

ارزش دلاری بورس تهران در انتهای بهمن ماه سال قبل سطح ۱۲۵ میلیارد دلار را تجربه کرد که در واقع بورس تهران در بهمن ماه ۱۴۰۱ با ۳۵ درصد ارزش دلاری مرداد ماه ۱۳۹۹ فعالیت داشت و ۶۵ درصد از ارزش دلاری خود را از دست داده بود.

در ۲۵ مرداد ماه امسال هم ارزش دلاری بورس تهران به سطح ۱۴۱٫۶ میلیارد دلار رسید که به نسبت ارزش دلاری مرداد ماه ۱۳۹۹ بیش از ۶۰ درصد افت کرده است. افت ۶۰درصدی ارزش دلاری بورس تهران در سه‌ساله اخیر یعنی بیش از ۲۱۵ میلیارد دلار از ارزش بورس تهران آب رفته؛ درحالی‌که ارزش دلاری این روزها به ۱۵۰ میلیارد دلار نمی‌رسد. همچنین باید گفت که ظرف دو سال گذشته بورس از یک بازار ۲۲۰ میلیارد دلاری

جامعه بسامان؛ جامعه آزاد و خردمند

الف-۲- در محدوده دانشگاه‌ها و سایر نهادهای آموزشی با اختصاص بخشی از سهم آموزش و پژوهش به پروژه‌های آفرینش دانش‌جودای از تقلید علم برای حل مسائل جامعه و افزودن به میراث دانش بشری، انجام مطالعات علمی مستقل با مالکیت ایرانی به‌منظور تدوین متدولسوزی علمی، دست‌ورالعمل‌ها و گایدلاین‌های ملی، پیش‌بینی مکان و زمانی در دانشگاه‌ها برای گفتارهای آزاد استادان خارج از برنامه رسمی دانشگاه‌ها ب- راهبردها و برنامه‌های بخش عمومی توسعه کتابخانه‌های عمومی رایگان، حمایت از انجمن نویسندگان و نشان بدون سوگیری ایدئولوژیک، ترویج و اعطای امتیاز ویژه به مطالعه آزاد غیرمرتبط با حرفه شغلی در کزینت‌های سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی، بازنگری قانون مطبوعات، کاهش تدریجی محدودیت فیلترینگ رسانه‌ها، مبارزه با مافیای شرکت‌های فروش فیلترشکن‌ها، بازنگری در قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در جهت استقلال و پاسخ‌گویی بیشتر آنها، پیش‌بینی امکان و زمان‌های مشخص برای بیان اندیشه‌های مخالف با هژمونی حاکم در دانشگاه‌ها و فضاهای عمومی.

این پلتفرم‌ها نوعی قدرت سیاسی بومی (Local policy power)

در ارائه خدمات تولید کرده‌اند و سبب شده‌اند تا قدرت تنظیم‌گری دولت کاهش یابد و این قدرت به دست پلتفرم‌های بومی بیفتد. در ایران، اینک دیگر نقش و قدرت دیجی‌کالا در تنظیم بازار و قیمت‌گذاری انکارکردنی نیست و به رقیبی قدرتمند برای ستاد تنظیم بازار در وزارت صمت تبدیل می‌شود. به همین سان نقش و قدرت پلتفرم‌های سلامت در تأثیری که بر نحوه خدمات سلامت می‌گذارند، انکارشدنی نیست. قدرت پلتفرم‌های ارائه کالاها و نهادهای کشاورزی و حذف فساد از چرخه توزیع درخورتوجه است؛ هرچند که در این حوزه‌ها هنوز خصلتی‌های دیجیتال فعلاً قدرت دارند. در پیامد، یک نیروی جدید دیجیتالی در «عرشه عمومی قدرت» در ایران پدید آمده است. طرفه آنکه این قدرت جدید با نهادهای مدنی غیرانتفاعی پیوند می‌یابد و نیرویی پایدار و پویا پدید می‌آورد. واژه کلیدی در این عرصه «جمعیت» یا اصطلاحاً «کلونی‌های جمعیتی» است. مثلاً در نظر آورید سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه معلولان و جمعیت مخاطب انبوهی برخوردارند. این جمعیت آن‌گاه که به پلتفرم‌های بخش خصوصی فعال در حوزه سلامت گره بخورد، قدرت جدیدی را فراهم می‌آورد. بدین سان، خارج از حوزه سنتی قدرت و قاع از کشمکش‌های سیاسی روز نیروی جدیدی شکل می‌گیرد که ترکیبی از کسب‌وکارهای دیجیتال و جامعه مدنی است. اینجا دیگر جامعه مدنی صرفاً با احزاب سیاسی در درون حکومت پیوند نیافته است تا بتوان به سادگی آن را به محاق برد؛ بلکه با توده جمعیتی مواجهید که به خدمات عمومی «الوده» شده‌اند و مصرف‌کننده این خدمات هستند و ازاین‌رو به حامی «تولیدکننده دیجیتال» تبدیل شده‌اند. این حمایت یک حمایت رسمی نیست؛ بلکه حمایتی اجتماعی و ناشی از وابستگی به «خدمات مفیده این

پلتفرم‌هاست. به بیان دیگر، جامعه مدنی یک حامی قدرتمند مالی به دست آورده است؛ یعنی همان کسب‌وکارهای کوچک، متوسط و بزرگ دیجیتال.

بازوی دیگر این قدرت اجتماعی، «طلای دیجیتال» است که به‌ویژه در «انبوه‌داده» (Big Data) متجلی می‌شود. ارائه خدمات این کسب‌وکارها را به یک «زرادخانه» عظیم از داده‌ها و اطلاعات و دانش اجتماعی دیجیتال مجهز می‌کند. از تحلیل این داده‌ها و اطلاعات، قدرت دانش پدید می‌آید. دانش خاموش داده‌ها که با دسته‌بندی و طبقه‌بندی و اندکی (فقط اندکی) تحلیل به صدا درمی‌آید و دروازه‌هایی از ثروت و قدرت را به روی صاحبانش می‌گشاید. در نوشته‌های پیشینم از «انقراض اجتماعی» سخن گفته بودم. این یک انقراض زیربوستی دیجیتال است که گریبان‌گیر شما شده است و نمی‌توان با «دوبینگ‌های دولتی» یا «بهره‌کشی‌های مقرراتی» که اغلب آلوده رات‌های اقتصادی و تبیل‌های ذهنی است، از پس آن برآمد. می‌گویند: کشتیبان را سیاستی دگر باید و اداره پلتفرم‌ها باید از دست «نااهلان» به در آید. می‌گویم: این چاره کار نیست، حاجی! این همان بیچارگی است. در این عرصه «کشتیبان» یگانه‌ای وجود ندارد؛ بلکه هزاران هزار از جوانان و فعالان و کاسب‌کاران و نهاده‌ا و قدرت‌های کوناگون اجتماعی (societal) در کارگاه عظیم خلق در جوششی خودمختار و بویشتی خودآگاه و گردشی پایان‌ناپذیرند. دور گردون در جامعه و فرهنگ ایرانی به گردنه‌ای رسیده است تا فکری- «سوسپال» در قالب «سوسپتال» قدرت بگیرد و تکامل یابد. «سوسپال» وجهی توده‌ای دارد؛ درحالی‌که «سوسپتال» وجهی سیستمی است که تشکیلات اجتماعی-اقتصادی آن برجسته می‌نماید. با این انقراض «طبیعی»، دیگر مصادره پلتفرم‌ها از سوی کشتیبانان پیشین بس دشوار است. کشتیبان، در اینجا، دیگر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها

و نهاده‌ا و تشکل‌ها و گونه‌ای از «حکمرانی اجتماعی-فنی» است. دولت‌ها دیگر ساقط نمی‌شوند؛ بلکه منقرض می‌شوند؛ بنابراین رشد «پلتفرم‌های دیجیتال» ذاتاً سیاسی است و جامعه را آبتسن تحولاتی بنیادین می‌کند. در چالش‌های اجتماعی دیگر با شماری اندک از گروه‌های سیاسی با نظریه‌پردازان دینی سرورکار نادرید. با شمار رو به افزایشی از «دخترچه‌های خیابان» طرف هستید که بی‌آنکه خود بدانند و بخواهند یا راهبر و تشکیلاتی داشته باشند، به قول شما «بیاده‌نظام» انقراض اجتماعی و سپس سیاسی شده‌اند. در چالش «استارت‌آبی» هم «سیربچه‌های دیجیتال» سازی و آوازی دیگرگون برآورده و دستگاهی پیچیده برساخته‌اند. اینان، «بیاده‌نظامی» به زیبایی هزار هزار نگار در نگارخانه فناوری فراهم آورده‌اند و گستره‌ای از کارآفرینان جوان، برنامه‌نویسان و طراحان پلتفرم‌ها را به میانه میدان آورده‌اند. همگان، به پشتوانه نیاز ملت به خدمات دیجیتال، جنبش مدنی-اقتصادی-سیاستی عظیمی خلق کرده‌اند. آری! شاید براندازی سیاسی جای خود را به انقراض اجتماعی-فناوری داده است و این همان چیزی است که حسین شریعتمداری به غریزه دریافته است؛ هرچند به دلیل پیچیدگی‌های فنی، نمی‌تواند همه گونه‌ها و سوسیه‌ها و پرده‌های ماجرا را صورت‌بندی کند. آن «دخترچه‌های خیابان» و این «سیربچه‌های دیجیتال»، را نمی‌توان با ترقدن‌های راتتی یا با پوستین وارونه‌ای از خرافات، که در این روزهای ایران پرانکند است، به سوی سیستم مطلوب خود کشاند. حقوق فکری- اقتصادی آنها را به رسمیت بشناسید. شمار وسیعی از اینان اتفاقاً باورهای مذهبی عمیقی دارند، آنان را به صورت گروهی و شرکتی وادار به مهاجرت نکنید. راه‌حلی که شما داده‌اید، پوشی ملی نوآوری را به ورشکستگی می‌کشاند؛ ورشکسته به تجرح نه ورشکسته به تقصیر.



آرش شه‌ریاری، کارشناس بازار سرمایه، هم با اشاره به ریزش سنگین ارزش دلاری بورس به اقتصاد۲۴ گفته است که «جامعه سهامداری کشور یکی از مهم‌ترین گزراهایی است که با توجه به تعارض منافعی که ممکن است میان سهامداران و مدیران یا حتی بازیگران عمده حقوقی بازار به وجود یابد، لازم است تلاش مقام‌های نظارتی در راستای ایجاد اعتماد در این بازار حرکت کند. متأسفانه در ماه‌های اخیر، اعتماد به حلقه مفقوده بورس تهران تبدیل شده است و همین موضوع باعث شد تا شاخص کل بورس تهران در معاملات این روزها به زیر محدوده مهم دو میلیون واحدی برسد.»

او تأکید کرده است: «طلواتی‌شدن اصلاح در بازار سرمایه و تبدیل آن به روندی فرسایشی سبب شده چشم‌انداز بازار مذکور برای سهامداران خرد همچنان نامشخص و با اماوگرهای فراوان همراه باشد و روند دادوستدهای سهام نشان می‌دهد بازگشت اعتماد و پول به بورس با موانعی مواجه شده است. آنچه در دو ماه گذشته در این بازار رخ داده، حاکی از آن است که راه برای بازگشت به مدار تعادلی و جهش‌های جدی باز نیست. رفتار سرمایه‌گذاران نیز به‌وضوح بر این نکته تأکید می‌کند.»

پیش‌ازاین با افشای نامه‌هایی درباره قیمت‌گذاری خوراک پتروشیمی‌ها و صنعت خودروسازی شائبه‌هایی از رانت اطلاعاتی در بازار سرمایه ایجاد شد و اعتراض بسیاری از سهامداران و فعالان بورس را به دنبال داشت.

۷۰ سال نفت و اقتصاد

اما با گذشت هفت دهه از آن ایام، هنوز ملت مظلوم ایران نتوانسته است این ثروت بزرگ را با تمام ظرفیت‌هایش در خدمت اهداف توسعه کشور قرار بدهد. در دوران زمامداری دکتر مصدق دولت انگلستان تمام تلاش خود را به کار برد تا مانع فروش نفت و کسب درآمد توسط دولت ملی بشود و با این حربه مهلک دولت را به‌شدت زمین‌گیر کرد. امروز نیز تحریم‌های ظالمانه آمریکایی مانع حضور مقتدرانه ایران در بازار نفت جهانی شده و دست ملت ایران از این ثروت بزرگ کوتاه شده است. بی‌تردید وابستگی اقتصاد ملی به درآمد ناشی از فروش نفت قابل دفاع نیست. ام‌ا این بدان معنی نیست که لازم نیست برنامه‌ای خردمندانه برای بهترین استفاده از این نعمت بزرگ در مسیر توسعه کشور داشته باشیم. در چنین شرایطی و درحالی‌که سایر کشورهای منطقه با جدیت تمام و با جلب همکاری شرکت‌های بزرگ نفتی جهان درگیر استخراج و کسب درآمد و بهبود چهره اقتصاد خود هستند، تحرکی درخور از جانب ایران حتی در میدان‌های مشترک به همسایگان دیده نمی‌شود. رقبای منطقه‌ای ما با پیشبرد سریع طرح‌های انتقال گاز به بازارهای هدف، فرصت توسعه آینده را از ما می‌گیرند و ما فقط تماشاگر این صحنه‌آرایی هستیم. مرور یک خاطره تلخ شاید کمکی به درک بهتر شرایط بکند. دو سال پیش کشور قطر درگیر اجرا و پیشبرد پروژه بزرگ برگزاری جام جهانی با گردش مالی ۲۲۰ میلیارد دلار بود و نگرانی طرف ایرانی این بود که سهم ۹ میلیون دلاری تیم ملی فوتبال ایران به‌گونه‌ای پرداخت شود که به سد تحریم برخورد نکند! امروز باید متولیان امر با درایت و کیاست تلاش کنند موانع برخورداری ملت ایران از این نعمت بزرگ رفع شود و درآمد نفتی سرمایه‌ای برای بازسازی اقتصاد ملی و بازگرداندن رونق به آن باشد تا مردم عزتمند ایران از دغدغه ایستادن در صف مرغ و تخم‌مرغ نجات یابند.

سید مسعود میرزایی، مدیرعامل شرکت دانش بنیان شرکت ایده‌پردازشگران آفاق البرز

افتتاح نخستین مرکز تخصصی هوش مصنوعی در پارک علم و فناوری استان سمنان



کودکان را ارزیابی می‌کنند. یکی از چالش‌های مهم شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه هوش مصنوعی بحث آموزش نیروی انسانی است که متأسفانه خروجی دانشگاه‌ها نمی‌تواند مهارت کافی را به افراد ارائه دهد و برای رفع این مشکل شرکت دوره‌های تخصصی زبان‌های برنامه‌نویسی هوش مصنوعی به‌صورت بلندمدت و کاربردی برگزار می‌کند. در این دوره‌های آموزشی افراد توانمندی که پروژه‌های آموزشی خود را به مرحله عملیاتی می‌رسانند بورسیه این شرکت می‌شوند و می‌توانند شروع به کار کنند.

ادامه از صفحه اول